

برگی از تاریخ

رسالت دوباره سازی جهان

هم چنان بر دوش کارگران است



— هم چنان چون گذشته — توده های محروم و ستم دیده باقی ماندند. اما کارگران و دیگر زحمت کشان نیز درسها گرفتند، درسهایی که بدون فرا گرفتن همه آنها پیروزی پیکار آینده محال خواهد بود.

قیام بهمن نشان داد: تا هنگامی که طبقه کارگر هم چون طبقه مستقل در مبارزه شرکت نکند و تا هنگامی که همه فداکاریها، جان بازیها و از خود گذشتگیهای پراکنده کارگران از طریق سازمان متشکل خودشان یک پارچه نشود؛ تا زمانی که طبقه کارگر چون یک کل واحد به صورت قلب و مغز جامعه در نیاید، همه فداکاریها، جان بازیها، شهامتها و ابتکارات در خدمت منافع و مطامع دیگران قرار خواهد گرفت و حاصل همه این خواهد شد، که مشتی از ستم گران را از قدرت به زیر بکشند تا مشت دیگری از ستم گران را بر مرکب قدرت بنشانند.

قیام بهمن نشان داد: برای پیروزی، هم بستگی همه طبقات ستم دیده خلق ضروری است و هیچ طبقه ای نمی تواند به تنهایی این مرحله از مبارزات را به سرانجام پیروزمندش برساند. برای پیروزی لازم است، تا عقب مانده ترین قشرهای توده های زحمت کش به مبارزه روی آورند و با به دست آمدن هم بستگی در جنبش توده ای، هنگامی که توده ها از طریق وحدت طبقه کارگر خود را به صورت قدرت یک پارچه در آورند، می توانند در صف نیروهای متشکل دشمنان خود شکاف انداخته و عناصری از خلق که به خدمت دشمن در آمده اند را دوباره به صفوف خود بازگردانند.

قیام بهمن نشان داد: فن تعرض بی امان است و باید به طور انقلابی، یک پارچه با جسارت، مهارت و عزم راسخ به پیش برده شود. فن تعرض بی امان را باید آموخت. در روزهای قیام، توده های خلق با گوشت و پوست و استخوان خود بار دیگر این اصل را ثابت کردند، و علی رغم همه توطئه های خائنانه به تعرض بی امان

آتش مبارزات طبقاتی طی ماه ها و سالها گذاخته شد، تا در بهمن ۵۷ خشم خلق شعله کشید و گوشه ای از قدرت خود را نمودار ساخت، که در گرمای آن کوه های یخ رژیم شاهنشاهی ذوب گردید. توده ها به اشکال مختلفی از مبارزه — از اجتماعات آرام تا تظاهرات موضعی، از تحصن تا تخریب، از تجمعات کوچک تا تظاهرات گسترده و میلیونی، از اعتصابات پراکنده تا اعتصاب همگانی — دست زدند، اما این اشکال برای شعله های سرکش مبارزات طبقاتی در آن مرحله از تاریخ تنگ بود و جنبش از این همه فراتر رفت. ستم دیدگان فریاد می زدند: مسلح شویم، و مسلح می شدند؛ و سردم داران پاسخ می دادند: «هنوز وقت جهاد نرسیده». سردم داران به خیمه شب بازی تسلیم طلبانه با دشمنان خلقهای ایران، دست اندرکاران رژیم شاهنشاهی و امپریالیسم، مشغول بودند؛ در حالی که توده ها تاریخ را می ساختند.

بستر تنگ جنبش اعتراضی و تظاهرات گسترده، پشت دیوار پادگانهای ارتش درهم شکست و مسلح شدن توده ها، ضرورت اجتناب ناپذیر رشد مبارزه شد. در جوشش آتشفشان خشم ستم دیدگان، بلندگوهای سردم داران به کار افتاد که: «امام فرمان جهاد نداده»، اما ستم دیدگان فرمان جهاد دادند و قیام آغاز شد. دیگر دوران تقاضاها، درخواستها، اصلاحات و امتیازات قانونی سپری شده بود. توده ها دست به عمل مستقیم زدند و فصل نوینی در جنبش توده ای خلقهای ایران گشوده شد. عرش اعلی به زیر کشیده شد.

قیام به همه طبقات امان داد که حد و حدود، شجاعت، ابتکار، ظرفیت مبارزاتی، قدرت پیش بینی و کمبودهای خود را کشف کنند و به نمایش بگذارند. طبقات مختلف با تمایلات، آرزوها و کمبودهای خاص خود وارد صحنه پیکار شده و به کار براندازی رژیم ضد خلقی شاهنشاهی پرداخته بودند. در نیمه راه، خائنین به خلق قدرت را به دست گرفته و با رسیدن به مشروطه «مشروع» خود، همه ارگانهای سرکوب را برای درهم کوبیدن ستم دیدگان به کار انداخته و در برابرشان، کارگران، دهقانان و همه استثمار شدگان

ادامه دادند و بخشی از توطئه ها را نقش بر آب کردند. و همان دم که دست از تعرض بی امان کشیدند، قیام پایان یافت و توطئه گرانی که در جبهه‌ی خلق رسوخ کرده بودند، در میدان قدرت جا یافته و خود را تثبیت کردند.

قیام بهمن نشان داد: هیچ طبقه‌ای که قدرت حکومتی را در اختیار خود گرفته است، آن را به دیگر طبقات واگذار نخواهد کرد، مگر آن که با قهر انقلابی سرکوب گردیده و به دست زحمت کشان از قله‌ی قدرت به زیر کشیده شود. لطمه وارد ساختن، زخمی کردن و محدود کردن قدرت حکومتی سابق کافی نیست، باید آن را نابود ساخت. دستگاه دولتی ستم گران را نمی‌توان با حک و اصلاح در خدمت زحمت کشان قرار داد، بلکه باید به دست ستم کشان به طور تام و تمام خرد و خاکشیر گردد.

قیام بهمن نشان داد: مبارزه با امپریالیسم را هر طبقه در جامعه بر اساس منافع خاص طبقاتی خود می‌فهمد و با همان منافع طبقاتی خود این مبارزه را سازمان می‌دهد. در طول راه و در بسیاری موارد، حتا افشاری از نیروهای شرکت کننده در قیام به حفظ منافع امپریالیسم دست می‌زنند. کارگران هم خود باید چگونگی مبارزه با امپریالیسم را مشخص کنند و مبارزه را با منافع طبقاتی خود سازمان داده و به پیش برند. در غیر این صورت، طبقات دیگر به سازش با امپریالیسم پرداخته و کارگران را نیز به دنبال خود می‌کشاند.

قیام بهمن نشان داد: اصلی‌ترین وظایف در جریان یک مبارزه‌ی متشکل توده‌ای به عهده‌ی کارگران است. کارگرانی که سال‌ها از «مقامات»، «مسئولین» و «روسا»، انتظار برآوردن خواست‌هایشان را داشتند، در سال ۵۷ پی برده و دیدند که این‌ها همه بیهوده است. و تنها با تکیه بر نیروی خود می‌توانند به خواست‌هایشان برسند. اعتصاب عظیم کارگران نور امید به هر سو افشاند، سیل عظیم پشتیبانی همه جانبه‌ی جنبش توده‌ای را به دست آورد، و به این طریق نیروهای متزلزل درون جبهه‌ی خلق قاطعیت بیش‌تری از خود نشان دادند و جبهه‌ی خلق مستحکم‌تر شد.

کارگران نشان دادند، که وقتی بحران انقلابی فرا می‌رسد، چه نیروی عظیم و دست نخورده‌ای در آن‌ها نهفته است. جنبش اعتصابی سال ۵۷، گرچه یکی از بزرگ‌ترین جنبش‌های اعتصابی در سراسر جهان بود، اما به هیچ وجه در بر گیرنده‌ی همه‌ی نیروهای ذخیره‌ی ارتش کارگران نبود. حضور کارگران در قیام چنان چشم گیر و دوران ساز بود، که از هیچ چشمی پوشیده نماند، کسانی که قیام را «معجزه‌ای» می‌دانند که حاصل «عنایت ربانی» است نیز اعتراف کردند که اعتصاب کارگران شرکت نفت، کمر رژیم را شکست؛ در حالی که اعتصاب کارگران شرکت نفت، خود بخشی از مبارزات تمامی طبقه‌ی کارگر ایران بود. همان طور که کارگران قدرت مندترین نیروهای خلق هستند، به همین دلیل جنبش خلق بیش‌ترین مسئولیت‌ها را نیز از کارگران طلب می‌کند.

قیام بهمن نشان داد: هنوز طبقه‌ی کارگر ایران نتوانسته چون ستاره‌ی درخشان قطبی در پیشاپیش راه آزادی ستم دیدگان ایران قرار گیرد. هنوز طبقه‌ی کارگر ایران نتوانسته خود را چنان که هست شناخته و بفهمد؛ خود را بر اساس قدرت های ذخیره شده‌اش که در تمامی

تاریخ بی سابقه و یگانه است، متحد و متشکل کند و راه دوباره سازی جهان را آن چنان که خود می‌خواهد، نشان داده و ارائه کند. این مسئولیت هم چنان بر عهده‌ی طبقه‌ی کارگر است تا با تشکل خود، با تشکل خلق و با انهدام کامل استعمارگران به رسالت خود – به دوباره سازی جهان – دست زند. این حکم تاریخ است و کارگران به ناگزیر این رسالت را تا به آخر اجرا خواهند کرد.

* * *

توضیح ((نگاه)): مطلبی که خواندید از نشریه‌ی «خبر کارگر»، شماره‌ی ۶، ویژه‌ی مبارزات کارگران در قیام بهمن، برگرفته شده است. از «خبر کارگر»، که توسط تعدادی از کارگران صنایع تهران انتشار می‌یافت، ۹ شماره به صورت ماهانه با تیراژ ۵ تا ۱۰ هزار نسخه منتشر و در کارخانجات تهران و سایر شهرهای صنعتی ایران نظیر: آبادان، اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز، ساری و رشت و... توزیع می‌شد. «خبر کارگر»، نشریه‌ی خبری بود که تلاش می‌کرد اخبار مبارزات کارگری را اطلاع داده، تحلیل کند، و با جمع بندی این مبارزات، راه پیش برد موثرتر آن‌ها را نشان دهد.

در صفحه‌ی اول هر شماره‌ی «خبر کارگر»، این قطعه از سرود «انترناسیونال» نیز درج شده بود که:

«به دست خود گیریم آزادی
تا ظلم را از عالم برویم
دمیم آتش را و بگویم
در پیکارهای بی امان
نعمت خود آریم به دست
تا وقتی که آهن گرم است»

* * *

نشریات و کتب رسیده

- «بولتن سیاسی - خبری» اتحاد چپ کارگری، شماره های ۴۸ تا ۵۹، سپتامبر تا دسامبر ۲۰۰۰؛
- «خبرنامه‌ی کارگری» اتحاد چپ کارگری، شماره‌ی دوم؛
- «اخبار کارگران ایران»، نشریه‌ی انگلیسی گمپین همبستگی با کارگران ایران - منتشره از اتحاد چپ کارگری، شماره‌ی ۱۲ و ۱۳، اکتبر - نوامبر و دسامبر ۲۰۰۰؛
- «تنگ بزرگی» راه کارگر، شماره های ۸۵ تا ۱۰۱، سپتامبر تا دسامبر ۲۰۰۰؛
- «بولتن نظرات» از انتشارات حزب رنجبران ایران، شماره های ۲۱ و ۲۲، شهریور و آذر ۱۳۷۹؛
- «انقلاب و رفوم: تصادم دو دیدگاه و دو سبک کار»، ع. بینالودی، از انتشارات حزب رنجبران ایران؛
- «راه آزادی»، نشریه‌ی سیاسی و فرهنگی و اجتماعی، شماره های ۷۴ و ۷۵ و ۷۶، شهریور و مهر و آذر ۱۳۷۹؛
- * «گار گه‌ونیستی»، ارگان سازمان اتحاد فدائیان گه‌ونیست، شماره‌ی ۱۳، مهر ۱۳۷۹؛
- «گار»، نشریه‌ی سازمان فدائیان (اقلیت)، شماره های ۳۴۲ تا ۳۴۸، مهر تا دی ۱۳۷۹؛
- «آزادی»، وابسته به جبهه‌ی دمکراتیک ملی ایران، شماره‌ی ۲۲ و ۲۳، تابستان و پاییز ۱۳۷۹؛
- «آفتاب»، نشریه‌ی فرهنگی و ادبی و اجتماعی، شماره های ۴۳-۴۴ و ۴۵، اکتبر ۲۰۰۰ و ژانویه ۲۰۰۱؛
- «با اجازه‌ی آقای فلینی»، مجموعه‌ی مقالات سینمایی و مصاحبه‌های بصیر نصیبی، نشر انتشارات سنبله؛
- «راه کارگر»، شماره‌ی ۱۶۶، تابستان و پاییز ۱۳۷۹؛